

بررسی چند سند تاریخی

از: حسین زورینی

تاریخ معاصر نهایند، همانند سایر ادوار تاریخی این کهن شهر، حوادث مهمی را پشت سر گذاشته است. اما از آن جایی که فاقد تاریخ نگارانی محلی بوده است این حوادث به رشته ی نگارش در نیامده اند و در نتیجه در تاریخ معاصر ایران ظهور و بروزی نداشته است.

مباحثی چون حکومت های محلی منطقه، مقاومت های مردم نهایند در مقابل مهاجمان، جنگ های سالار الدوله در منطقه، تأثیرات جنگ جهانی اول و دوم در نهایند، نقش مردم نهایند در نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی در نهایند که به تدریج از ذهن ها و زبان ها فاصله گرفته و فراموش شده اند، می توانند موضوع کتاب یا مقالات متعددی باشند و موجب روشنگری گردند.

نپرداختن به این مباحث و حوادث، باز خوانی تاریخ گذشته ی نهایند را برای نسل امروز و فردای آن بسیار دشوار کرده است. به طوری که برای یافتن رد پای نهایند حتی در تاریخ معاصر ایران باید راه های ناهموار بسیاری را پیمود.

بنابراین از همه ی کسانی که از رویدادهای تاریخ معاصر نهایند خاطراتی دارند انتظار می رود برای اطلاع رسانی به نسل های آینده قلم و کاغذ بر دارند و آن ها را قلمی کنند تا از این راه بخشی از خلأهای موجود در تاریخ معاصر نهایند تأمین گردد.

اسناد به جا مانده از حکومت های پیشین ایران از معدود راه های دیگری است که از طریق آن می توان گوشه هایی از تاریخ نهاوند را بازخوانی کرد. این اسناد عمدتاً حاوی اطلاعات تازه و ارزنده ای در خصوص تاریخ نهاوند است.

در این فصل نامه - به دنبال چاپ سندی از کشف حجاب در نهاوند- سعی خواهد شد حتی المقدور اسناد مربوط به نهاوند منعکس شود تا علاوه بر نور افکنی بر گوشه های تاریک تاریخ نهاوند و ایران، امکان استفاده از اسناد برای محققان آینده ی تاریخ نهاوند آسان گردد.

در این شماره سه سند از اسناد مربوط به نهاوند در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) مطرح شده است.^۱ سند اول که تاریخ جمادی الثانی ۱۲۷۷ قمری را دارد، مخاطبش «عمادالدوله امام قلی میرزا»^۲ حکمران کرمانشاهان و نهاوند است و بدین وسیله وزن و مقیاس های جدیدی برای معاملات از طرف حکومت مرکزی تعیین و تصویب گردیده و در آن ضرورت استفاده ی به کارگیری آن ها توسط

۱- از این اسناد، سند اول و دوم به ترتیب به شماره ی راهنماهای ۶۰۴۰ و ۵۷۵۴ در مؤسسه ی مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است و سند سوم توسط همشهری گرامی جناب آقای علیرضا طاهری در اختیار مؤسسه ی فرهنگی علیرادیان گذاشته شده است.

۲- عمادالدوله امام قلی میرزا پسر ششم محمدعلی میرزای دولت شاه پسر بزرگ فتحعلی شاه قاجار است که در حدود سال ۱۲۳۰ هجری قمری متولد شد. وی در سال ۱۲۶۸ به حکومت کرمانشاه منصوب و در سال ۱۲۶۹ ملقب به عمادالدوله شد. در سال ۱۲۷۵ که خانلر میرزا احتشام الدوله عموزاده ی او از حکومت لرستان معزول و به حکومت اصفهان منصوب شد، حکومت لرستان ضمیمه ی حکومت کرمانشاه شد. اما مجدداً در سال ۱۲۸۰ قمری مجدداً ضمیمه ی حکومت کرمانشاهان و نهاوند گردید و به عمادالدوله واگذار شد. عمادالدوله در سال ۹۱-۱۲۹۰ قمری مدتی وزیر دادگستری ناصرالدین شاه بود و سرانجام در سال ۱۲۹۲ قمری بدرود زندگی گفت.

(مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، جلد اول، تهران، کتاب فروشی زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ش، ص ۱۶۰)

کسبه و اصناف به حاکم گوشزد شده است. نکته‌ی قابل توجه در این سند این است که شاه اعلام داشته از «چهارصد عدد نیم ذرعی» که ارسال کرده «سیصد عدد به کسبه‌ی کرمانشاهان و یکصد عدد به اصناف نهند» اختصاص دارد و این می‌رساند که در گذشته‌ای نه چندان دور (حدود یک قرن و نیم پیش) نهند از لحاظ کسبه و اصناف یک سوم کرمانشاهان بوده‌است. حال آن‌که مقایسه‌ی امروز این دو شهر مسلماً پسرقت نهند را نشان می‌دهد.

سند دوم که تاریخ ربیع الاول ۱۲۹۱ قمری را دارد، مخاطبش به علما، فضلا، سادات، خوانین، عمال، اعیان، کدخدایان و ریش سفیدان نهند است و در آن از سپرده شدن حکومت نهند به «اعتضادالدوله»^۱ خبر داده است. در این سند قید شده که اعتضادالدوله از جانب خود، ابوالفتح میرزا را نایب الحکومه‌ی نهند قرارداد داده است. (ضمن این‌که به نوشته‌ی آقای مهدی بامداد احتمالاً وی خود نیز، به نیابت از کامران میرزا نایب السلطنه به حکومت نهند رسیده است.)

۱ - محمد مهدی خان اعتضادالدوله پسر بزرگ میرزا محمدخان سپهسالار اعظم و شوهر فخرالملوک دختر بزرگ ناصرالدین شاه بود. وی در ۱۲۷۵ قمری به مقام کشیکچی باشیگری دربار منصوب و تا ۱۲۸۲ در این مقام بود. در سال ۱۲۸۸ به سمت ایلخانگیری ایل قاجار انتخاب شد. در سال ۱۲۹۹ قمری که حکومت قم و ساوه نیز از سال ۱۲۹۵ جزء حکومت‌های ابواب جمعی کامران میرزا نایب‌السلطنه شده بود، اعتضادالدوله از طرف وی به حکومت قم و ساوه تعیین شد. نام‌برده مدتی حاکم ساوه و زرنند و مدت‌ها حاکم قم بود و گاهی هم حاکم کاشان می‌شد. در سال ۱۳۰۳ حکومت هر چهار جا را داشته و در ۱۳۰۴ از حکومت‌های مزبور معزول شد. وی در اواسط سال ۱۳۰۵ مجدداً حاکم قم و ساوه شد و در سال ۱۳۰۶ دوباره به حکومت کاشان رسید. او سرانجام در ماه صفر ۱۳۰۷ زندگی را بدرود گفت. (مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، جلد چهارم، همان، ص ۱۰) گفتنی است که آقای مهدی بامداد به علت عدم اطلاع از سند فوق به حکومت اعتضادالدوله بر نهند هیچ اشاره‌ای نکرده است.

شایان ذکر است در این تفویض قدرت‌ها و اختیارات که به بخش‌های کوچک‌تری نیز تقسیم می‌شده است حاکمان سطوح مختلف به منافع خویش دست می‌یافتند و در نهایت مردم عادی که در قاعده‌ی هرم قدرت بودند به خاک فلاکت و ادبار می‌نشستند.

در وهله‌ی نخست افرادی همانند کامران میرزا و اعتضادالدوله حکومت شهرها و ولایات را به ازای تقدیم پیشکش‌ها، هدایا و وجوه هنگفتی به شاه، در اختیار می‌گرفتند. پس از آن خود آنان با دریافت چند برابر هدایا و پیشکش، حکومت را به اشخاص دیگری چون ابوالفتح میرزا واگذار می‌نمودند. افرادی چون ابوالفتح میرزا نیز با آن‌که پیش‌تر اوقات در محل حضور داشته‌اند، اما حکومت‌گردانی را بر عهده‌ی خوانین محلی، عمال و کارگزاران خود می‌گذاشتند. آن‌ها نیز می‌بایست با تحت فشار قرار دادن کسبه‌ی جزء و رعایای بی‌پناه، علاوه بر دریافت چند برابر جناب حاکم از مردم، شکم خود و اطرافیان و متعلقان خود را سیر کنند و برای سال‌های غیر قابل پیش‌بینی بعد نیز ذخیره‌سازی نمایند.

کما این‌که اسنادی از تظلمات مردم نهاوند در ارتباط با مالیات‌های سنگین و رفتار خوانین و حکام با آن‌ها موجود است که در نتیجه‌ی آن عده‌ای مجبور به تحصن در تلگراف‌خانه یا هجرت به شهرهای هم‌جوار هم‌چون تویسرکان می‌شدند.

در سند سوم که تاریخ رجب ۱۳۰۴ قمری را دارد و خوش‌بختانه تصویر (کپی) آن در دست ماست، به «معتمدالسلطان میرزا ابوالقاسم خان مستوفی» حکمران نهاوند و ملایر و تویسرکان گوشزد شده که اجزاء حکومت با صاحب منصبان و توپچیان بد سلوکی و بدرفتاری نکنند و حتی اگر آنان مرتکب تقصیری شدند «اجزاء حکومت» حق تنبیه آن‌ها را ندارند. بلکه باید صاحب منصب یا حکومت مرکزی (که مدت‌ها طول می‌کشید که آیا به جرائم آن‌ها رسیدگی کند یا نه؟) به اجرای حکم در مورد آن‌ها بپردازد.

در این سند که یادآور قانون کاپیتولاسیون اتباع خارجی در ایران است^۱ صریحاً تأکید شده که: «حدود که در حق رعیت مُجراست از چوب زدن و زنجیر کردن و جرم گرفتن، هیچ کدام در حق توپچی نباید مُجرا شود.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

۱- کاپیتولاسیون در اصطلاح سیاسی به مقرراتی اطلاق می شود که به موجب آن اتباع یک کشور در کشور دیگر تابع مقررات و قوانین کشور خود می شوند. بدین ترتیب اتباع کشورهای استعمارگر در کشوری که کاپیتولاسیون را پذیرفته دارای مصونیت قضایی شده و از تعقیب و مجازات اعمال خلاف خود در کشوری که مرتکب جرم و خلاف شده‌اند، مصون می مانند. در ایران نخستین بار پس از عهدنامه‌ی ترکمان‌چای اتباع روس در ایران دارای حق کاپیتولاسیون شدند و پس از آن انگلستان و سایر کشورهای اروپایی نیز این حق را برای خود کسب کردند. در زمان رضا شاه این قانون در ایران لغو شد تا این که در سال ۱۳۴۳ مجدداً با تصویب مجلس شورای ملی ایران این حق به اتباع آمریکایی داده شد و اعتراض امام خمینی (ره) به آن، منجر به تبعید امام از ایران در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شد. (محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی)

سند شماره‌ی ۱

(مهر ناصرالدین شاه)^۱

نور چشم اکرم کامکار عمادالدوله امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان و نهاوند به مراحم ملوکانه مباحی و معزز بوده بدانند:

چون در اندازه‌ی ذراع و مقدار موازین بلاد ممالک محروسه سعایت زیاد به هم رسیده و سبب اختلافات کلی میانه‌ی تجار و اهل معامله شده بود و باعث ضرر و اجحاف می شد، به جهت رفع ضرر و حصول آسایش عموم رعایا مقرر فرمودیم که عالیجاه فخامت و مناعت اکتساب مقرب الخاقان ناصرالملک و وزیر امور تجارت و صنایع اندازه‌ای برای تعیین نیم ذرع و سلک اوزان از همه قسم ممهور به مهر شیرو خورشید ساخته، به جمیع بلاد ایفاد دارد تا رفع اختلافات و اجحافات شود.

از قراری که به عرض حضور ساطع النور مبارک رسانید، اندازه‌ی نیم ذرع ساخته شده به اصناف و کسبه‌ی دارالخلافه‌الباهره تقسیم شده است و برای مسایر بلاد نیز مهیاست. لهذا بر حسب امر قَدَر قدرت، موازی چهار صد عدد نیم ذرع آهنی که دو طرف آن‌ها به مهر و نشان دولتی ممهور است با چهار صد طغرا اعلام نامه که حسب الامر همایون طبع شده است به جهت اصناف و کسبه‌ی کرمانشاهان و نهاوند و توابع آن‌ها نزد آن نور چشم ایفاد داشت که سیصد عدد به کسبه‌ی کرمانشاهان و یک صد عدد به اصناف نهاوند تقسیم شود. می‌باید آن نور چشم هر یک از نیم ذرع‌ها را با یک طغرا اعلام‌نامه به اصناف آن ولایات و کسبه که در عمل خود حاجت به اندازه دارند قسمت نموده، قیمت آن‌ها را از قرار عددی سه هزار و دو بیست و پنجاه دینار از آن‌ها گرفته نزد مقرب الخاقان معزی‌الیه ایفاد دارند و به توسط اعلام‌نامه‌ی مزبوره به جمیع کسبه و اصناف و عموم اهل معامله آن ولایات قدغن نماید که در تعیین اندازه‌ی هر چیزی به نیم ذرع مزبور رجوع نموده، نخلف و تجاوز نمایند و نیز مراقب باشند و قدغن نماید که کسی قیمت نیم ذرع‌ها را زیاد از آنچه در اعلام‌نامه نوشته شده است، مطالبه ننماید. البته حسب المقرر مرتب داشته و در عهده می‌باشد.

حرر فی شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۷۷^۲

۱- عبارت زیر بر روی مهر مستطیل شکل ناصرالدین شاه به چشم می‌خورد: «الملک لله، السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار»

۲- آرشیو «مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران» شماره‌ی راهنما: ۶۰۴۰

سند شماره‌ی ۲

(مهر ناصرالدین شاه)

عالی‌جنابان فضایل و کمالات اکتسابان علما و فضلا و سادات و عالی‌جاهان عزت همراهان، خوانین و عمال و اعیان و کدخدا و ریش سفیدان نهاوند بدانند که امر حکومت ولایت نهاوند را از معامله‌ی هذا السنه ایت نیل^۱ سعادت دلیل و مابعدا موافق فرمان مهر کمان^۲ جداگانه به عهده‌ی کفالت و کفایت جناب فخامت نصاب امیر الامراء العظام فدوی دولت جاوید ارتسام^۳ اعتضاد الدوله مفوض و مرحمت نموده و این عطیت و موهبت را ضمیمه‌ی خدمت حکومت قم و ساوه و زرند فرموده‌ایم. چون جناب مشارالیه در بدایت این سال اعزاز جمند ابوالفتح میرزا را که آدمی است کافی و کاردان و محل و ثوق و اعتماد اولیاء دولت ابد بنیان، از جانب خود نایب قرار داده و نظم و تمشیت و انتساق^۴ و امنیت آن ولایت را به عهده‌ی صداقت و امانت و اهتمام و درایت او نهاده، لهذا این ملفوفه‌ی فرمان قضا جریان همایون از مصدر خلافت عظمی صادر و مقرر می‌شود که عالی‌جنابان و الاجاهان و عموم اهالی و سکنه‌ی نهاوند، مشارالیه را نایب الحکومه‌ی بالاستقلال آن‌جا دانسته از صلاح و صوابدید و حرف و سخن حساسی او تخلف و تجاوز نکنند و امر و نهی او را در نظم امور ولایت و وصول و ایصال مالیات دیوان و سایر خدمات مرجوعه تابع بوده، حوالجات و قبض و برات و خط و مهر او موافق دستور العمل جناب اعتضاد الدوله در معاملات آن‌جا از بلده و بلوکات مناط^۵ و معتبر بدانند و در عهده باشند.^۶

حرر فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۱^۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- ایت نیل : سال سگ

۲- مهر کمان : همانند خورشید درخشنده

۳- ارتسام : نقش بستن ، نقش گرفتن ، علامت و رسم

۴- انتساق : نظم و ترتیب دادن

۵- مناط : جای آویختن ، ملاک و میزان

۶- در پشت این سند مهرهای اعتضاد السلطنه، عمادالدوله، عضدالملک و چهار مهر ناخوانای دیگر حکک شده است.

۷- آرشیو مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران . شماره‌ی راهنما: ۵۷۵۴

سند شماره ۳

معتمد السلطان میرزا ابوالقاسم خان مستوفی^۱ حکمران نهاوند و ملایر و نویسرکان مفتخر و مباحی بوده، بداند از قراری که مسموع شد و صاحب منصبان و توپچیان عموماً تظلم نموده بودند، اجزاء

۱- برای آگاهی بیش تر از نحوه‌ی حکومت نام برده در منطقه، دو سند دیگر را نیز که هر دو فرمان ناصرالدین شاه بوده و در کتاب «پنجاه سال تاریخ ایران»، جلد چهارم تألیف دکتر خان‌بابا بیانی به چاپ رسیده‌اند، در زیر می‌آوریم:

(۱) تلگراف از تهران به ملایر. نمره ۱۵. دست خط مبارک (۱۷ رجب ۱۳۰۴)

به میرزا ابوالقاسم خان حاکم ملایر زده شود، بسی نقطه کم و زیاد جواب زود گرفته، زود به عرض برساند، جمعی از رعایای خالصه‌ی ملایر به حضرت عبدالعظیم بست آمده‌اند از تو شکایت دارند. رعایای ثامن [سامن] هم از قراری که به عرض رسید، به تهران به عرض می‌آمدند. تو آدم فرستاده، آن‌ها را از راه به عنف برگردانده‌اند. حتی اسباب و اموال آن‌ها را هم سواره‌ها به غارت برده‌اند، این تفصیل‌ها چه خبر است. تو را برای این به ملایر مأمور کردیم که به قاعده راه رفته، مردم را آسوده نگاه بداری، نه این که این طورها مردم به عرض در شکایت بیایند. تفصیل این‌ها چه چیز است؟ به عرض برسان. می‌دانی که اگر حقیقت معلوم شود و ظلمی کرده باشی سیاست و تنبیه کامل خواهی شد و پدردت را آتش خواهیم زد که عبرت دیگران بشود. البته تفصیل را عرض کن. ۱۷ رجب المرجب

(۲) تلگراف از طهران به ملایر. دست خط مبارک (۸ ذی قعدة الحرام ۱۳۰۴)

میرزا ابوالقاسم حالا چهارماه است، بعضی از رعیت‌های ملایر به تهران آمده‌اند و مکرر بر مکرر از دست تو تظلم کرده‌اند در دیوان‌خانه و غیره و غیره و به تو احکام صادر شده است. یا آن‌ها را راضی کرده به سر رعیتی خودشان بیر یا به سند و دلیل موجه ثابت کن که خلاف عرض می‌کنند. الی امروز که هفتم ذیقعدة است تو هیچ قراری در امر این‌ها نداده و هنوز هم مزاحم هستند و تظلم می‌کنند. مرد که خر بدذات تو را حاکم کرده‌اند که رعیت داری بکنی نه آن که عرضه‌چی به تهران بفرستی. این بیچاره‌ها حالا مدتی است از خانه و رعیتی خودشان آواره شده در تهران چرا باید بمانند؟ اگر از تو دیوان یا نایب السلطنه یا دیگری پیشکش و تعارف و تکلف خواسته است و تو هم لابد

حکومت نهایت بد سلوکی و بد رفتاری را به آن‌ها می‌نماید. خودشان و کسانشان را آسوده نمی‌گذارند. از این‌که نوکر نظامی همه وقت و همه جا محترم‌اند، خاصه توپچیان که پیش‌تاز قشون ظفر نمون است، موقوم می‌داریم که قدغن کنند، متعرض صاحب و توپچی و کسان آن‌ها نشوند و اجحاف و تعدی و بی‌حیایی نمایند. فرضاً اگر یک نفر توپچی مقصر بشود، حتی اجزاء حکومت این است که به صاحب منصبان آن‌ها اظهار نمایند و مقصر را از صاحب منصب بخواهند. بعد از حاضر کردن به قدر تقصیر در محضر حکومت تنبیه نظامی شود. بلکه اگر تقصیر عمده باشد باید به عرض ما رسانده، تکلیف مُجراست از چوب زدن و زنجیر کردن و جرم گرفتن، هیچ کدام در حق توپچی نباید مُجرا شود. مجازات توپچی مقصر، تنبیه نظامی با حضور صاحب منصب و عرض شما است. فی شهر رجب ۱۳۰۴

ملک رعیت و مردم را بر داشته به این و آن داده‌ای، چرا صریحاً عرض نمی‌کنی؟ اگر شخصاً و فطرتاً به رعیت ظلم می‌کنی، صریح بدان که اگر تعدی تو ثابت بشود، پدرت را آتش زده، زنده نخواهی ماند.

تو خیال می‌کنی کسی می‌تواند واسطه‌ی تو بشود، ابداً خیالات نکن. در صورتی که تو تعدی باشی هیچ کس واسطه‌ی تو نمی‌تواند بشود. حالاً سه کار را باید ثابت بکنی با سند و برهان صحیح نه به حرف مفت که تو تعدی به رعیت و به این عارض نکرده، ثانیاً اگر بتوانی ثابت کنی عارض را راضی کرده از تهران به سر رعیتی خودشان با کمال ممنونیت ببری و آسوده شان بکنی و رفع همه‌ی حرف‌های آن‌ها را بکنی که جاناً و مالاً به هیچ وجه دیگر مردم شکوه و شکایتی از تو نداشته باشند. ثالثاً این را هم نتوانی باید فوراً نایب در ملایر گذاشته خود به چاپاری (فوراً) به تهران بیایی و با عارض موافق شرع در محضر حاکم شرع قسم بخوری که تعدی نکرده‌ای. شق رابع ندارد. یکی از این شقوق را باید عمل بکنی. خیلی زود. والسلام ۸ ذیقعه الحرام.

(خان‌بابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ایران در دوره‌ی ناصری، جلد ۶- ۵- ۴، تهران: نشر علم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ص ۳-۱۴۲)

سجده
در
حضور
مقام
مقام
مقام

مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم



تکمیل نظم فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم

بر وقت... مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موسسه عالی جامعه علوم انسانی

مقام
مقام
مقام

و هجرت... مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم

مقام
مقام
مقام

در مصعب... مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم

مقام
مقام
مقام

جهت زیارت... مستطاب فیروز ابراهیم مستطاب فیروز ابراهیم